

امام در ترکیه

□ مرضیه فلاح

داد و گفت: شما اکنون به ترکیه می‌روید و خانواده شما نیز به زودی به شما ملحق خواهند شد. پس برای پوشیده نگه داشتن محل سکونت امام، ساعت ۲ بعد از ظهر روز بعد یعنی ۱۴ آبانماه (۳۰ جمادی‌الثانی ۱۳۸۴)، با مراقبت کامل و طرحی پیش بینی شده، ایشان را به طبقه هشتم یکی از ساختمانهای فرعی خیابان آتاتورک به نام «Fotoetem» که نسبت به مکان اول دارای حفاظت بیشتری بود، منتقل کردند. و سرانجام یک هفته بعد پس از تغییر و تبدیل‌های پایانی محل اقامت ایشان مرجع امت را در تاریخ پنج شنبه ۲۱ آبان، ساعت ۶ صبح به شهر بورسا «BURSA» واقع در ۴۶۰ کیلومتری غرب آنکارا (نزدیکی دریای مرمره) انتقال دادند. امام پس از ورود به آنکارا نامه‌ای با عنوان آقا مصطفی برای خانواده می‌نویسد و پس از سفارش خانواده به صبر جمیل و عدم فزع، از ایشان می‌خواهد که ضمن ارسال وسائل شخصی ایشان، کتابهای مفاتیح، صحیفه سجادیه، مکاسب و حواشی را نیز برایشان ارسال

صبحدم روز چهارشنبه سیزده آبان ۱۳۴۳ (۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۸۴) صدها کماندو و چترباز مسلح، خانه امام در قم را محاصره و وی را بازداشت و پس از انتقال ایشان به فرودگاه مهرآباد در کمتر از نود دقیقه، سوار بر هواپیمای هرکولس نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی کردند و هواپیما از فرودگاه مهرآباد به سوی ترکیه به پرواز درآمد. این هواپیما پس از سه ساعت و سی دقیقه پرواز در ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه در فرودگاه آنکارا به زمین نشست. در فرودگاه آنکارا یکی از مأمورین امنیتی ترکیه که به زبان آلمانی حرف می‌زد، مستقیماً نزد سرهنگ افضلی - یکی از مقامات ساواک که امام را در این سفر همراهی می‌کرد - آمد و پس از گفتگویی کوتاه به اتفاق، امام را سوار بر اتومبیل کردند و پس از طی ۳۵ کیلومتر مسافت فرودگاه تا شهر آنکارا ایشان را مستقیماً به هتل بلوار پالاس (در مرکز شهر استانبول)، طبقه چهارم، اطاق شماره ۵۱۴ که از قبل آماده شده بود بردند. قبل از پرواز یکی از مقامات امنیتی ساواک پاسپورت امام را به وی تحویل



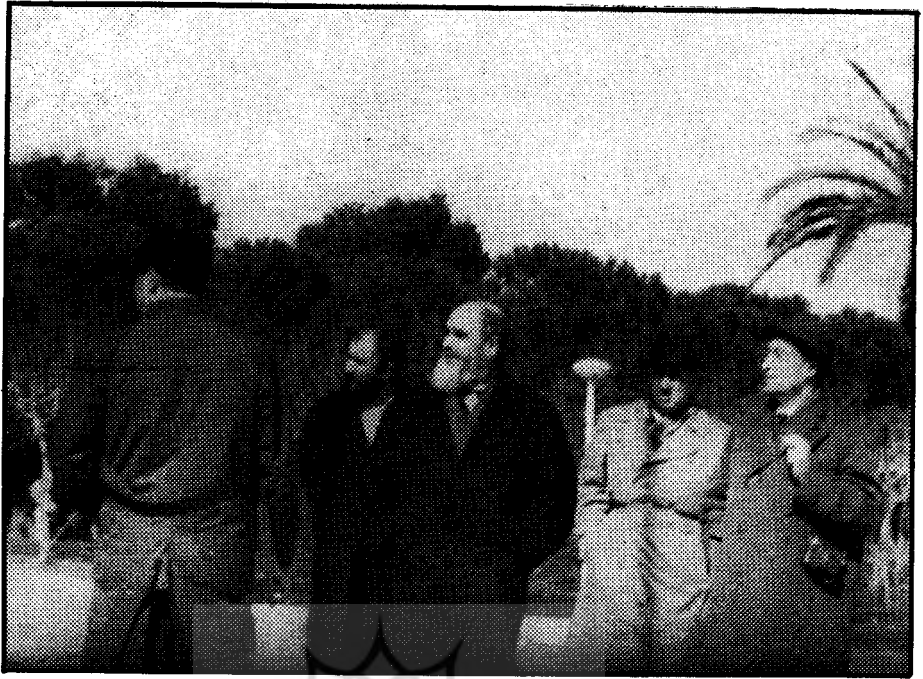
کنند. ایشان سپس مبادرت به نگارش کتاب تحریرالوسیله - که حاوی فتاوی فقهی و احکام مربوط به جهاد و دفاع، امر به معروف و نهی از منکر، مسائل روز به عنوان تکالیف شرعی فراموش شده و ... می باشد - نمونه ای که در مدت یازده ماه تبعید در ترکیه ادامه یافت.

امام برای ایجاد ارتباط با علماء، روحانیون و مردم محل تبعید، بلافاصله پس از رود به ترکیه اقدام به فراگیری زبان ترکی می نمایند، که این امر موجب رعب و وحشت سرهنگ افضلی - گماشته ساواک - شده و مراتب را به ساواک گزارش می کند. مأموران گماشته ساواک با کمال گستاخی و جسارت امام را از پوشیدن لباس مقدس خود منع کردند و ایشان را مجبور به پویدن لباس روحانیان کشور ترکیه نمودند. در تاریخ ۱۶ آبان (۲ رجب ۱۳۸۴) طبق پیشنهاد امام، ایشان به همراه گماشته های ترك و ایران، حدود پنجاه دقیقه با اتومبیل از شهر قدیمی آنکارا دیدن کردند. و در تاریخ ۱۹ آبانماه (۵ رجب ۱۳۸۴) نیز به اتفاق دو مأمور ترك و سرهنگ افضلی، از بلوار آتاتورک و قسمتی از شهر قدیمی آنکارا دیدن نمودند. همچنین در این روز بصورت پیاده از خیابان آتاتورک و قسمتهایی از شهر قدیمی آنکارا بازدید کردند. در این بازدیدها



امام بالاچار پالتو و شلوار (انیفورم روحانیون ترکیه) برتن داشت.

امام نمی خواست فرصتی را که به یمن تبعید به دست آورده است، بی نتیجه از دست بدهد لذا در همین ایام بر مزار چهل تن از عالمان شهیدی که به دست مصطفی کمال از پای درآمده بودند، حضور یافت. بعد از این ساواک از بازدید امام از مراکز دینی ترکیه جزء در مواردی که نمایندگانی از طرف عملا و روحانیون ایران به مقامات امام می آمدند، جلوگیری می کرد. در این ایام، امام در تنهایی کامل مشغول عبادت، قرائت قرآن، فراگیری زبان ترکیه و تحریر کتاب تحریرالوسیله بودند، تا اینکه رژیم شاه که نگرانی و اضطراب توده های مردم در مورد بی اطلاعی از سرنوشت امام را بیش از این نمی توانست تحمل کند و نمی توانست نسبت به عواطف و احساسات آنها بی اعتنا بماند، موافقت کرد که نماینده ای از طرف مقامات روحانی به ترکیه برود و با امام ملاقات کند. به دنبال آن آقای شیخ سید فضل الله خوانساری به نمایندگی از سوی اقشار مردم و روحانیون در روز ۲۹ آذر ۱۳۴۳ (نیمه شعبان ۱۳۸۴) ساعت ۱۲/۵۰ دقیقه وارد استانبول شد و در پارک هتل اقامت کرد. فردای آن روز امام را نیز از بورسا (تبعید گاهشان) به استانبول



آوردند و در هتلی، جدا از مسافرخانه‌ای که آقای سید فضل الله خوانساری در آنجا اقامت داشت، چند ملاقات (که اولین ملاقات مقارن ساعت ۳ بعدازظهر روز ۳۰ آذر بود) بین ایشان و آقای خوانساری، با حضور و کنترل مأموران ساواک صورت گرفت. در این مقالات امام از علل دستگیری و زندانی شدن فرزندشان حاج آقا مصطفی سؤالاتی از آقای خوانساری کردند که حاکی از آگاهی امام از دستگیری و زندانی شدن فرزندشان بود. لازم به ذکر است، روز تبعید امام (۱۳ آبان) کماندوهای رژیم با بالا رفتن از دیوار منزل آقای مرعشی به داخل منزل ایشان رفتند و حاج آقا مصطفی را دستگیر و به شهربانی قم

و سپس به زندان قزل قلعه منتقل کردند به طوری که ایشان ۵۷ روز در زندان بسر بردند و در بامداد روز ۱۴ دی ماه ۱۳۴۳ پس از اعزام به تهران در ساعت ۵/۳۰ دقیقه با هواپیما او را به استانبول و از آنجا نیز با هواپیمای دیگری به اقامتگاه امام در شهر بورسا تبعید کردند. ملاقات روز دوم آقای خوانساری با امام روز سه شنبه اول دی ماه ضمن بازدید از مسجد «ایاصوفیا» صورت گرفت که آقای خوانساری از مسائل گوناگون کشور و روحانیون به امام گزارش داد. براساس اسناد و مدارک، امام تلگرافها، پیامها و نامه‌های متعددی از طرف روحانیون، دانشجویان، مردم و ... دریافت نمودند و

ملاقاتهایی نیز با افراد گوناگون داشتند. البته همه این ملاقاتها کنترل شده بود که از جمله آن می‌توان به ملاقات ایشان با آیت الله حکیم، شیخ مصطفی جلیلی، شیخ عبدالجلیل جلیلی و ... اشاره نمود. آقای سجادی نیز از طرف حوزه علمیه شیعیان نجف و کربلا رسماً مأموریت داشت و به استانبول رفت اما موفق نشد جایگاه امام را بیابد.

نفوذ معنوی و ظاهری حضرت امام در مسلمانان اعم از شیعیان و سنی‌ها موجب وحشت رژیمهای ایران و ترکیه می‌شد و با اینکه ایشان را از وطن خود به کشوری غریب و نا آشنا تبعید کرده بودند، باز از او سخت وحشت داشتند و از این جهت در عرض ده روز سه بار جای ایشان را تغییر دادند و دائماً تحت مراقبت شدید قرار داشتند. به طوری که اجازه ملاقات هیچ کس را با ایشان نمی‌دادند بجز در موارد استثنایی و کنترل شده. محل سکونت ایشان جزء مسائل سری بود لذا بسیاری افراد و از جمله دانشجویان ایرانی مقیم ترکیه تلاش گسترده‌ای برای یافتن محل سکونت حضرت امام کرده و با تشکیل جلسات متعدد از دانشجویان جهان خواستند تلگراف و یا نامه اعتراض آمیز برای سازمان ملل متحد، مجلس ترکیه و حکومت



ترکیه ارسال کنند. و با انجام تظاهرات در جلی کنسولگری ایران در استانبول بازگشت و تأمین امنیت جانی امام را خواستار شدند. رژیم شاه که موقعیت خویش را بیش از پیش در خطر می‌دید و شاهد نفوذ بیش از پیش امام حتی در تبعید بود؛ سرانجام در روز سه شنبه ۱۳ مهر ۱۳۴۴ یعنی پس از حدود یازده ماه تبعید اجباری در ترکیه، ایشان را به همراه فرزند بزرگوارشان از ترکیه به عراق (تبعیدگاه دوم امام) فرستادند و هوایم‌ای حامل ایشان ۲ بعدازظهر همان روز در فرودگاه بغداد به زمین نشست.

منابع:

۱. نهضت امام خمینی جلد اول و دوم
۲. مجموعه سه جلدی کوثری (جلد سوم)
۳. کتاب حدیث بیداری (زندگینامه امام)
۴. قسمتهایی از ۶ جلد کتاب پا به پای آفتاب
۵. تبعید امام به ترکیه به روایت اسناد ساواک
۶. زندگینامه سیاسی امام، محمد حسن رجبی
۷. مذاکره با آقای دکتر قادری و آقای حمید روحانی
۸. امام خمینی به روایت اسناد و ساواک